

فاسپندر

زندگی و مرگ نابغه ای عصیانگر

www.ketab.ir

کریستین براد تامسن
به کوشش علی عامری مهابادی



مرشنامه:	براد تامسن، کریستین، ۱۹۴۰ - م.
عنوان و نام پدیدآور:	Braad Thomsen, Christian فاسبیندر: زندگی و مرگ نابغه ای عصیانگر / نویسنده کریستین براد تامسن؛ گروه مترجمان به کوشش علی عامری مهابادی.
مشخصات نشر:	تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۵۵۶ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵، س. م.
شابک:	978-600-6047-61-4
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Fassbinder: The Life and Work of a Provocative Genius, 2004.
عنوان دیگر:	زندگی و مرگ نابغه ای عصیانگر.
موضوع:	فاسبیندر، راینر ورنر، ۱۹۴۵-۱۹۸۲ م. -- نقد و تفسیر
موضوع:	Fassbinder, Rainer Werner -- Criticism and interpretation
موضوع:	سینما -- آلمان -- سرگذشتنامه
موضوع:	Motion pictures -- Germany -- Biography
شناسه افزوده:	عامری مهابادی، علی، ۱۳۴۵ -، مترجم
رده بندی کنگره:	۲۳۳۰۹۲ / ۳ / ف ۲
رده بندی دیویی:	۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۹۲۹۴۲۸

فاسبیندر

نویسنده: کریستین براد تامسن

مترجمان: علی عامری مهابادی، فرزاد امین صالحی، حمیدرضا خطیبی، ابراهیم عامل محرابی، شهناز ناصر
ویراستاران: علی عامری مهابادی، فهیمه زاهدی، سارا وطن آبادی
ترجمه و انتشار این کتاب با کسب اجازه از مؤلف صورت گرفته است.

چاپ اول، بهار ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: دو یست و پنجاه هزار تومان

طراحی جلد مجموعه کتاب: استودیو کارگاه - مصطفی بهزادی، طراحی جلد کتاب: سپیده هنرمند

اجرا: یاسر عزآباد، ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ ... info@hanoozpub.com ... www.hanoozbooks.com

۱۱	مقدمه. کریستین براد تامپسن ترجمه علی عامری
۱۵	۱. مرد مضاعف ترجمه فرزاد امین صالحی
۸۳	۲. روزهای غم انگیز به پایان می‌رسند ترجمه حمیدرضا خطیبی
۱۱۹	۳. فیلم‌های سینمایی ترجمه علی عامری
۱۴۱	۴. فیلم‌های بورژوازی ترجمه علی عامری
۱۵۵	۵. انتقاد از خود ترجمه حمیدرضا خطیبی
۱۸۱	۶. باواریا و هالیوود ترجمه فرزاد امین صالحی
۲۱۳	۷. سریال‌های تلویزیونی ترجمه فرزاد امین صالحی
۲۳۹	۸. فیلم‌های زنان ترجمه شه‌تاو ناصری
۲۸۵	۹. فیلم‌های ویدئویی ترجمه ابراهیم عامل محرابی
۳۰۹	۱۰. خواستن بدون عاشق بودن ترجمه علی عامری
۳۲۵	۱۱. رؤیاهای تئاتری ترجمه ابراهیم عامل محرابی
۳۳۵	۱۲. هویت ازدست‌رفته ترجمه ابراهیم عامل محرابی
۳۷۵	۱۳. فاشیسم پیروز خواهد شد ترجمه فرزاد امین صالحی
۴۱۵	۱۴. تروریسم و خانواده هسته‌ای ترجمه حمیدرضا خطیبی
۴۵۷	۱۵. مائتاهاری‌های برآمده از معجزه اقتصادی ترجمه علی عامری
۴۸۷	۱۶. آثار سفارش داده شده ترجمه علی عامری
۵۰۵	۱۷. کرل ترجمه فرزاد امین صالحی
۵۱۹	تصاویر
۵۳۳	فهرست نام‌ها

مقدمه

کریستین براد تامسِن

ترجمه علی عامری

اولین بار راینر ورنر فاسیندر را در ۱۹۶۹ در جشنواره فیلم برلین ملاقات کردم، جایی که نخستین فیلم بلند او، عشق سردتر از مرگ است، نمایش داده شد و آخرین بار او را در ۱۹۸۲، سه هفته پیش از مرگش، دیدم. در این ۱۳ سال مرتب همدیگر را در جشنواره های فیلم یا سر صحنه فیلم ها و نمایش هایش می دیدیم. در این مدت نوعی رفاقت با فاصله را حفظ کردیم که در مجموع مسیر خود را بدون بحران های هیستریکی طی کرد که همواره به روابط نزدیک فاسیندر لطمه می زد و در عین حال این رفاقت فاقد صمیمیتی بود که اکثر دوستان او تاوان آن را با از سر گذراندن این بحران ها می پرداختند.

اگر این ضرب المثل قدیمی درست باشد که عشق کور است، پس من فرد مناسبی برای نوشتن راجع به فاسیندر نیستم، چون به او و کارش عشق می ورزم، اما معتقدم که عشق کور نیست. شاعر و فیلسوف دانمارکی (هم وطنم)، ن. ف. س. گرونتویگ^۱، در شعرش «سال طلا» (۱۸۳۴)

۱. شاعر، فیلسوف و کشیش دانمارکی که در شکل گیری دریافت مدرن از معنویت و ملی گرایی در کشورش نقش مؤثری ایفا کرد. - م.

می‌گوید هر کس که دانش خود را از جایی که به آن عشقی نداشته بر گرفته، هرگز زندگی نکرده است. نوعی پیش‌داوری دربارهٔ عشق وجود دارد که طبق آن، عشق هم نوعی درد فقدان است و هم مرهمی برای تسکین آن و این که معشوق از سر ستایشی که عاشق به او ابراز می‌کند شخصیتی آرمانی می‌یابد. در هر حال می‌گویند که عشق احساس مناسبی نیست و جایگاهش صرفاً در زندگی خصوصی است. چنین برداشتی از عشق محصول جامعه‌ای است که در آن باید از «سازوکارهای بازار آزاد» پیروی کرد. به هر حال، هر کس که به زندگی فراسوی بازار آزاد اعتقاد داشته باشد حق دارد باور کند که عشق راه را بر بینش انسان نمی‌بندد، بلکه خواب را از چشمانش می‌زداید و بینش او را شفاف می‌سازد.

فاسیندر به خوبی از این امکان‌آلودگی آگاه بود، گرچه فیلم‌هایش غالباً به شرایطی خلاف این امکان می‌پردازند. این که چگونه در چنین جامعه‌ای عشق به کالا و ابزاری برای کسب قدرت و سلاح تبدیل می‌شود.

نمی‌توانم برداشت شخصی‌ام را از فاسیندر بیان کنم. ۱۴ سال پس از مرگ او روزی نیست که به یاد او یا هنرش نباشم. در حالی که روند تولید و توزیع فیلم به نحو فزاینده‌ای رو به فساد و تجاری شدن می‌رود، حتی اگر تجارت فیلم بازتاب کامل جامعه‌ای باشد که باید در آن ضد آن عمل کنیم، فاسیندر نشان داد که فیلم‌ساز می‌تواند کاملاً شخصی و سازش‌ناپذیر کارش را دنبال کند.

در اوایل دوران دوستی‌ام با فاسیندر، مارگیت کارستنسن بازیگر تجربه‌همکاری با او را به صورت فرمولی درآورد که دربارهٔ همهٔ ما صدق می‌کرد: «ما همه دوستش داشتیم، دقیقاً به خاطر این که همیشه شجاعت خطا کردن را داشت و در هر لحظه بسته به شرایطش می‌توانست خوب، افتضاح، ابله یا خوشحال باشد. اغلب

هیچ کدام مان نمی توانستیم این شرایط را درک کنیم یا از پیشش بریاییم.^۱ فیلم های فاسبندر از همان ابتدا نشان دادند که می توان با کمک هنر از خود در برابر نیروهای ویرانگر پیرامون دفاع کرد و این که روند کار هنری مستلزم تلاش برای مقاومت و حفظ بقاست. این به تدریج به یکی از مضامین اساسی فیلم های او تبدیل شد.

مدت ها پیش از آن که این موضوع پیچیده را در فیلم هایش درک کنم، آن را در خواب دیدم: داشتم با دوست دخترم در ساحل قدم می زدم. شب داشت فرا می رسید، ناگهان فهمیدیم سربازان از همه طرف محاصره مان کرده اند. آن ها شروع کردند به شلیک کردن به سمت یکدیگر و هیچ جان پناهی در آن ساحل گسترده وجود نداشت، اما در آن محاصره ناگهان سروکله فاسبندر با گروه فیلم سازی اش پیدا شد. او موقعیت را قاپید و بلافاصله نبرد را به صحنه ای موزیکال تبدیل کرد. همه چیز فوراً در آواز و حرکات موزون ذوب شد. همه با خیال آسوده شروع کردند به انجام دادن حرکات موزون، در حالی که فاسبندر روی ساحل شنی مشغول فیلم گرفتن بود. به عبارت دیگر، رؤیای من به رسم فیلم های هالیوود شبیه یک «نجات در دقیقه آخر» بود، همان چیزی که فاسبندر به شدت از آن انتقاد می کرد، گرچه فیلم هالیوودی تنها چیزی بود که او جدی اش می گرفت. فاسبندر یک بار درباره کارگردان های آمریکایی محبوبش، آلفرد هیچکاک، هاوارد هاکس، داگلاس سیرک، مایکل کورتیس و رانول والش، گفت که آن ها مهارت دارند پایان خوش قراردادی را با نوعی دوگانگی توأم کنند که در عین خوش بودن به نحوی غیر قابل اجتناب ناخشنودکننده و تشویش برانگیز است.

فاسبندر هرگز فیلم موزیکال یا جنگی نساخت، اما مجموعه ای پدید آورد که با این که قاطعانه اصرار دارد «عشق سردتر از مرگ است»، احساسی در ما به وجود

۱. در مصاحبه با کریستین براد تامسن در *J. Fassbinders speil* (Copenhagen, 1975).

می‌آورد که این دیدگاه تلخ را جبران می‌کند: این که عشق و هنر می‌توانند بر وجود آدمی غالب شوند. نکتهٔ تحسین برانگیز فیلم‌های او این است که گرچه سرکوب و سوءاستفاده از احساسات را با دقتی هولناک به تصویر می‌کشند، به اتویا هم بر پردهٔ درونی وجودمان تجسم می‌بخشند، به گونه‌ای کاملاً متفاوت با فیلم‌های خوش‌بینانه و ظاهراً تماشاگرپسندی که ایدهٔ اتویا را از ذهن ما می‌زدایند و زیبایی آن را تا حد چند عکس سینمایی تقلیل می‌دهند.

پایان خوش واقعی یا دوگانه در آثار فاسبیندر امر نادری است. عقیدهٔ تحسین برانگیز و در عین حال بسیار ساده‌لوحانهٔ او این بود که مردم واقعاً خودشان می‌توانند از پسِ امورشان برآیند:

از فیلم‌هایم اغلب به دلیل وجه بدبینانه‌شان انتقاد می‌شود. از نظر من دلیل برای بدبین بودن زیاد است، اما در حقیقت برداشت خودم از فیلم‌هایم چنین نیست. آثار سینمایی ام این دیدگاه را گسترش می‌دهند که انقلاب نه بر پردهٔ سینما بلکه باید در خود زندگی رخ دهد و وقتی ناهنجاری‌های زندگی را نشان می‌دهم می‌خواهم مردم را آگاه کنم که این همان چیزی است که دارد اتفاق می‌افتد، مگر این که خودمان زندگی‌مان را تغییر دهیم. اگر فیلمی پایانی بدبینانه داشته باشد می‌توان مردم را روشن کرد که چرا پایانش چنین است، در نتیجه تأثیر نهایی فیلم بدبینانه نخواهد بود. تلاش من هرگز بازسازی واقعیت نیست، هدفم ایجاد سازوکارهایی شفاف است تا این موضوع را برای مردم نشان بدهم که آن‌ها باید واقعیت‌شان را تغییر دهند.^۱